

## عنوان مقاله:

گونه شناسی نظریه های ادبی

## محل انتشار:

فصلنامه فنون ادبی، دوره 15، شماره 2 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسنده:

مجاهد غلامی - استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.

## خلاصه مقاله:

رویکردهای نقد ادبی مدرن کنش هایی نظریه مدار، آن هم نظریه های بینارشته ای هستند. این نظریه ها و رویکردهای نقادانه مبتنی بر آنها را می توان براساس معیارهایی گونه بندی کرد. در پژوهش پیش رو که به شیوه تحلیلی توصیفی و با هدف گردآوری و ارزیابی مدل های گونه بندی نظریه های ادبی فراهم آمده است، ابتدا «نقد دانشگاهی» از «نقد ژورنالیستی» بازشناسانده شد؛ سپس نشان داده شده است که تاکنون بنابر چه شاخص هایی نظریه های ادبی گونه بندی شده است و کدام یک از گونه ها از گونه های دیگر، کارآیی بیشتری دارد. یافته ها حکایت از آن دارد که در یکی از مدل های پیش گفته، گونه شناسی نظریه های ادبی بر این مبنا صورت گرفته است که این نظریه ها می خواهند به چه پرسش هایی پاسخ بدهند. الگوی پیشنهادی دیگری برای گونه شناسی نظریه های ادبی، الگوی ابرامز است که در آن، نظریه های ادبی بسته به اینکه معطوف به کدام یک از عوامل «هنرمند»، «مخاطب»، «جهان» و «متن» اند، به چهار گونه «نظریه های محاکاتی»، «نظریه های پراگماتیک»، «نظریه های حالت نمایانه» و «نظریه های عینی» تقسیم پذیر هستند. چنین برمی آید که فعلا کامل ترین الگو در این باره، الگوی یاکوبسن سلدن و ویدوسون باشد. در این الگو با کنار گذاشتن «مجرای ارتباطی»، پنج عامل در فرایند نقد می تواند دخالت داشته باشد و توجه حداکثری به هریک از این عوامل گونه ای از رویکردهای نقد ادبی را دیگر گونه ها بازمی شناساند: نقد ادبی نویسنده مدار (نقد ادبی رمانتیک و نقد روانشناختی)، نقد ادبی خواننده مدار (نقد پدیدارشناختی و نظریه دریافت)، نقد ادبی متن مدار (فرمالیسم روسی و نقد نو)، نقد ادبی موضوع مدار (نقد مارکسیستی و تاریخ گرایی نوین)، و نقد ادبی رمزگان مدار (ساختارگرایی و پساساختارگرایی).

## کلمات کلیدی:

رویکردهای نقد ادبی مدرن، گونه های نظریه ادبی، الگوی ارتباط زبانی، ابرامز، سلدن و ویدوسون

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1845198>

